

روایت

بازارهای ایران از نگاه زوج گردشگر خارجی گذر با لیام و ماریانا

بد نیست بدانید که بازارگردی، بخش جالب خاطرات گردشگران خارجی از ایران به شمار می‌رود و معمولاً در نظر گردشگرها درباره ایران تأثیر زیادی دارد. بازارها فرصت تعامل با جامعه محلی را در اختیار گردشگران می‌گذارند و به تورسیست‌های خارجی در ایران این امکان را می‌دهد که فرهنگ این مرز و بوم را بیشتر بشناسند و با سوغاتی‌ها و صنایع دستی آشنا شوند. در ادامه با ما باشید تا با لیام و ماریانا به بازارهای کشورمان قدم بگذاریم و نظرات آن‌ها را بدانیم.

❖ درباره لیام و ماریانا

لیام و ماریانا زوجی استرالیایی- دانمارکی هستند که زندگی‌شان در سفر خلاصه می‌شود. در سال ۲۰۱۳، ماریانا، کپنهاگ را ترک کرد و تصمیم گرفت تا آنجا که می‌تواند سفر کند. لیام هم به دنبال همین ایده در سال ۲۰۱۴ خانه را ترک گفت. در سال ۲۰۱۵ این زوج در پاناما یکدیگر را به صورت اتفاقی دیدند و تصمیم گرفتند با هم به دنبال آرزوهایشان بروند. حالا آن‌ها از آمریکای جنوبی، آمریکای مرکزی، آمریکای شمالی، اروپای غربی و اروپای شرقی و نیز کشورهای آفریقایی شمالی و خاورمیانه بازدید کرده و به بخشی از آرزوهایشان رسیده‌اند.



❖ سفر به ایران

این زوج گردشگر سفر به ایران را این گونه توصیف می‌کنند: یادتان می‌آید وقتی بچه بودید مادرتان می‌گفت با بچه‌های بد نگردید؟ واکنش به سفر به ایران چیزی شبیه به این است. احتمالاً همه و از جمله مادرتان ابروهایشان را بالا می‌اندازند و تلاش می‌کنند شما را منصرف کنند، اما اجازه ندهید شما را بترسانند. ایران با آن تصویری که در ذهن همه هست فرق دارد و به خوبی از گردشگران غربی استقبال می‌کند. در ایران با کوههای رقی در شمال، بیابان‌های بی‌پایان در مرکز و آب‌های فیروزهای در جنوب و به صورت کلی تنوع زیبایی‌های طبیعی حیرت زده می‌شوید. در بازارها غرق شوید، غذاهای خیابانی بخورید، ببینید که زندگی تحت قوانین دقیق اسلامی چیست، بگذرید غریبه‌ها به شام دعوتتان کنند و مهمان نوازترین مردم دنیا را ملاقات کنید. این ایران است. به ایران خوش آمدید.

❖ بازارها در ایران

یکی از چیزهایی که لیام و ماریانا به طور ویژه‌ای به آن پرداخته‌اند، بازارهای ایران هستند. در ادامه صحبت‌های آن‌ها را در این مورد از زبان خودشان می‌خوانیم. برای قرن‌ها، بازارها جای رنگارنگ و عجیب و غریبی بودند که باعث جمع شدن مردم ایرانی دور هم شده‌اند. اینجا مکانی است که مردم محلی برای نوشیدن چای، خرید، خوشگذرانی، کسب و کار و دعا و نماز به آن مراجعه می‌کنند. نیاز به تهیه سوغات، شما را مجبور به قدم زدن در این بازارهای شگفت‌انگیز می‌کند که در هر گوشه آن‌ها یک تجربه به مناظر جدید و غیرمنتظره در انتظارتان است.

❖ بیچ و خم‌های پنهان

درهای بزرگ بازارها هیچ نشانه‌ای از درون پرهمهمه و پر پیچ و خمشان ندارند. در بازارها با کوجهای باریکی مواجه می‌شوید که به طور مداوم از سمت چپ و راست ائشعاباتاتی دارند. می‌توانید از یک خیابان اصلی مستقیماً به یک گوشه‌ای آرام بروید؛ کاری که بسیاری از خارجی‌ها انجام می‌دهند و شما در مسیر آن‌ها را می‌بینید. زنان محلی معمولاً در گوشه‌های آرام دیده می‌شوند که مشغول فروختن بدلیجات و این جور چیزها هستند. هر کجا که بروید صدای ثابت صدها مرد و زن را می‌شنوید که فریاد می‌زنند، می‌خندند و صحبت می‌کنند.

❖ فرش ایرانی در همه جا هست

با وجود اینکه ممکن است به چشم، همه چیز در هم و بر هم بیایند اما بازارها به بخش‌های مختلفی تقسیم شده‌اند. یک بخش به پارچه اختصاص دارد که از نخ‌های پشمی رنگی شده را در آن می‌توانید ببابید تا پارچه‌های رولی آماده و پارچه‌های رنگارنگ عروسی. هر بازار نامدار ایرانی بخش بزرگی از فرش‌های ایرانی دارد. البته اگر هوس خرید آن‌ها به عنوان سوغاتی برای مادرتان را کردید، باید ۶۰۰۰ دلاری بپردازید. شاید هم با این قیمت ترجیح دهید یک تابلوی مونالیزا بر دیوار داشته باشید!

❖ این یک دنیای مردانه است

در بیشتر قسمت‌های بازار، مردان بیشتر به چشم می‌آیند. در جایی مردی را می‌بینید که در میان جرقه‌های آتش به پرواز درآمده، در تلاش است که فلز داغ قرمز رنگی را شکل دهد. در کنار آن، مردی را با گلدان و قابلمه و ماهیانه می‌بینید که مغازه‌ای کوچک دارد. او نشسته و به گذر زندگی می‌نگرد، در حالی که قفس پرنداش در کنارش قرار دارد. یک مغازه‌دار دیگر چشم به راه نشسته و منتظر است تا دوچرخه تعمیری دیگری را برایش بیاورند و آن را به داخل کار گاهش برد. کمی پایین‌تر از کوچه، چند نفر منتظر عرضه قیمت‌های ارز به گردشگران هستند تا ریتال به آن‌ها عرضه کنند. یک فروشنده میوه بعد از یک روز طولانی، در فروشگاه خود چرت می‌زند و انگار می‌خواهد گوجه فرنگی‌های قرمز روشن، خودشان به فروش برسند.

❖ سرزمین عجایب ادویه‌ها

به مشامتان اعتماد کنید و به دنبال بوها بروید تا به ظروف پر از ادویه‌های رنگارنگ برسید؛ ادویه‌هایی که فکرش را هم نمی‌کردید روزی در کوچه و خیابان آن‌ها را ببینید. در اینجا می‌توانید ارزان‌ترین زعفران دنیا را بخردید و طعم میک شیک‌های خیابانی را بچشید. اگر زیرچشمی به داخل درهای نیمه بسته نگاه کنید، کارگاه‌هایی را می‌بینید که هنوز در آن‌ها به روش قدیمی ادویه‌ها را آسیاب می‌کنند. اگر حس ماجراجویی دارید، سرکی هم به درون قصابی بکشید.

❖ شما در این سی و پنج سال که از زندگی‌تان گذشته، تلاش کرده‌اید که با وجود معلولیت، سربار دیگران نباشید. چطور چنین تصمیمی گرفتید و توانستید بی‌خیال کمک دیگران شوید؟

راستش را بخواهید من از ۱۸ سالگی بدون خانواده و تنهایی زندگی کرده‌ام. علتش هم این بود که دلم میخواست به خودم و دیگران ثابت کنم که می‌توانم روی پای خودم بایستم. در ماجرای مستقل شدنم با خودم فکر کردم که اگر کسی نباشد، می‌توانم خودم را اداره کنم، می‌توانم برای خودم غذا درست کنم، می‌توانم رانندگی کنم، می‌توانم به‌تنهایی حمام و توالت بروم و خیلی چیزهای دیگر.

❖ ولی طبعاً این تصمیم خیلی سخت بود و سختی‌هایش می‌توانست شما را در طول راه منصرف کند.
بله، ولی من منصرف نشدم.

❖ از اولین روزهایی که مستقل شدی، یادت هست؟ یعنی چطوری برای خودت غذا درست می‌کردی؟

یادم هست اولین بار برای خودم جیگر سیخ کشیدم و خیلی هم خوب شده بود. این شروع

تلاش من برای مستقل شدن بود.

❖ پس خودت را حسابی تحویل گرفته بودی؟

بله، اما پختنش خیلی برایم سخت بود. مثلاً باید جگرها را می‌شستم، آن هم با کمک پاهایم. خانه‌ای هم که در آن زندگی می‌کردم، مناسب‌سازی نشده بود. یادم هست دو سه باری سیخ کباب افتاد و مجبور شدم آن را از روی زمین بردارم.

کار خیلی سختی بود، اما هرچه کار سخت‌تر باشد، نتیجه آن شیرین‌تر می‌شود. فکرش را بکنید، اولین بار که تنهایی دستشویی رفتم، ۶ ساعت توی دستشویی بودم و نمی‌دانستم چطور باید خودم را بشویم. خب این‌ها از سختی‌های مستقل شدن بود و من باید آن را

زانتیایی که خدا فرستاده بود

یک شب سرد با تعدادی از دوستانم رفته بودم طریقه. ساعت یک شب بود و داشتیم برمی‌گشتیم. حرفمان به اینجا رسید که اگر من جایی گیر کنم، چه می‌کنم؟ «خدا هست.» یکی از دوستانم گفت: «خدا هست یعنی چی؟ همین الان حاضری پیداات کنیم و ببینیم چه اتفاقی می‌افتد؟» خلاصه شوخی شوخی من را آخر بلوار وکیل آباد پیاده کردند و رفتند. چند لحظه‌ای در سرمای انتهای شب تنها بودم که یک زانتیا کنارم سر رسید. راننده پرسید: «این ساعت اینجا چه کار می‌کنی؟» من هم همین سوال را از خودش پرسیدم. گفت: «دارم می‌روم خانه، من هم همین جواب را دادم. خلاصه آن شب آن بنده خدا من را سوار کرد. جالب اینکه قبل از دوستانم به خانه رسیدم. وقتی هم که آن‌ها به خانه رسیدند، از دیدنم خیلی تعجب کردند. به آن‌ها گفتم: «وقتی می‌گویم خدا هست یعنی همین.»

❖ معمولاً یکی از مشکلاتی که معلولان دارند، تأمین شغل و به‌تبع آن مسائل مالی است. وضعیت مالی شما چطور است؟

وقتی ۱۵ ساله شده بودم، خیلی از دوستانم می‌پرسیدند که در آینده چگونه می‌خواهم زندگی‌ام را اداره کنم؟ این پرسش باعث شد به این فکر بيفتم که استقلال مالی داشته باشم. برای همین از پدرم خواستم به من کمک نکند. حتی لباس‌هایم را هم خودم می‌خریدم. آن زمان با کارخانه لوسترسازی آشنا شده بودم که به تعداد زیادی کارتن نیاز داشت. من کارتن‌ها را از جاهای دیگر با تخفیف می‌خریدم و آن تخفیف، سهم من از این معامله می‌شد. کار دیگری که می‌کردم این بود که سیاه قلم‌هایی را که می‌کشیدم، می‌فروختم. در همان زمان مدرسه‌م، من خرید و فروش ضبط و باند هم انجام می‌دادم.

❖ گفتی سیاه‌قلم‌هایت را از تو می‌خریدند. آیا این به خاطر این نبود که تو معلول بودی و دلشان برای تو می‌سوخت؟

نه، حاصل کارم قشنگ بود. من حتی به شاگردانم هم یاد داده‌ام که کارهایشان را بفروشند و مجانی به دیگران ندهند. چون اگر مجانی به کسی بدهند، برایش احترام قائل نخواهند بود. به نظرم وقتی فکر ما این باشد که باید نقاشی‌هایمان را بفروشیم، فروش می‌رود.

❖ و الان زندگی‌ات از همین راه می‌گذرد؟

من الان سخنرانی‌های انگیزشی انجام می‌دهم، کار بیمه می‌کنم، از فروش نقاشی‌هایم درآمد دارم و علاوه بر این‌ها در حوزه‌های اقتصادی مربی رشد فردی هستم.

❖ نقاشی‌هایت بیشتر در کجا فروش می‌رود؟

برای نقاشی‌هایی که جدیداً خلق می‌کنم، سعی کرده‌ام بازار فروشش را در تهران را در کشورهای خارجی پیدا کنم و این کاری است که از حدود ۱۷ سال قبل انجام می‌دهم.

ساعتی با مصطفی شریعتی، معلول مشهودی که با نقاشی روزگار گذرانده و این سال‌ها بیشتر با سخنرانی‌های انگیزشی‌اش شناخته می‌شود

متفاوتِ موفق

می‌بیند، دو هزار نفر دیگر هم من را می‌بینند و این دیدن به دلیل وضعیتی است که من دارم.» یعنی معلولیت اگر از نظر خیلی‌ها ناتوانی است، از نظر من فقط یک تفاوت در ظاهر افراد است.

❖ البته خیلی‌ی از معلولین چنین نگاهی ندارند و اصلاً برای همین که در مرکز توجه قرار می‌گیرند، ناراحتند.

قبول دارم همه این نگاه را ندارند. مثلاً یک بار کسی به یکی از دوستان معلوم پولی داده بود و آن فرد معلول می‌گفت تا چند روز هر وقت یاد آن اتفاق می‌افتاده، گریه‌اش می‌گرفته. خب آن دوستم این کار را توهین می‌دانست، ولی این از نظر من توهین نیست.

من همیشه به دوستان این نکته را یادآور می‌شوم که محبت کردن به دیگران بخشی از زندگی ماست. پس اگر کسی می‌خواهد به شما محبت کند، بگذارید این اتفاق بیفتد، هرچند از نظر شما شکل آن اشتباه و دارای ایراد باشد. حتی بعضی وقت‌ها مردم کنجکاو‌ی‌هایی درباره ما دارند. مثلاً فکر می‌کنند منی که از نظر دست و پا مشکل دارم، چگونه حمام می‌کنم. به نظرم ایرادی ندارد درباره این‌س کنجکاو‌ی‌ها هم به دیگران پاسخ بدهیم.

داور بوده. مصطفی با وجود معلولیت شدیدی که دارد، رانندگی می‌کند، والیبال نشسته بازی می‌کند، کوهنوردی می‌کند، استخر می‌رود و... علاوه بر این‌ها از دیگر کارهایی که سراغ آن‌ها رفته و البته این روزها بیش از هر چیز او را به خودش مشغول کرده، سخنرانی‌های انگیزشی است. وقتی پای صحبت‌های او بنشینید، می‌بینید چه قدر به معلولیت نگاه متفاوتی دارد و چه قدر زندگی را متفاوت از ما می‌بیند.

❖ یعنی اگر این به شما دست مصنوعی بدهند، دوست ندارید از آن استفاده کنید؟
اصلاً

❖ یعنی به نوعی می‌شود گفت که مشکلی با معلولیت‌تان ندارید.

نه‌تنها مشکلی ندارم، بلکه می‌گویم بزرگ‌ترین لطفی که خداوند می‌توانست به من و دیگر معلولان بکند، این بود که ما را معلول آفرید. یادم هست در یکی از سخنرانی‌هایم در مشهد به آدم‌های حاضر در جلسه گفتم: «به اندازه من خوشبخت نیستید!» یکی پرسید: «چرا؟» گفتم: «تا حالا فکر کرده‌اید وقتی به حرم می‌روید، رفتنتان چه اندازه با من تفاوت دارد؟» وقتی شما حرم می‌روید، کسی شما را نمی‌بیند، ولی وقتی من حرم می‌روم، غیر از امام که همه ما را

برش

وقتی ۱۵ ساله شده بودم، خیلی از دوستانم می‌پرسیدند که در آینده چگونه می‌خواهم زندگی‌ام را اداره کنم؟ این پرسش باعث شد به این فکر بيفتم که استقلال مالی داشته باشم. برای همین از پدرم خواستم به من کمک نکند. حتی لباس‌هایم را هم خودم می‌خریدم...

تحمل می‌کردم... از طرفی من از هیچ وسیله و ابزاری کمک نمی‌گیرم، مگر ویلچری که برای رفت‌وآمد از آن استفاده می‌کنم.

پول‌هایی که نذر پنجره فولاد شد

اوایل ازدواج به خاطر نداری که داشتیم، چند روزی همراه خانم، مادر خانم و مادرم به حرم می‌رفتم. در یکی از روزها، مرد عربی به ما نزدیک شد و یک اسکناس هزار تومانی به من داد. بنده‌خدا می‌خواست اظهار لطفی کرده باشد، ولی راهش را نمی‌دانستم. من پول را گرفتم و اشاره کردم که آن را در پنجره فولاد می‌اندام. ایشان که متوجه منظور من نشده بود، جلو آمد و یک اسکناس ۲ هزار تومانی به من داد. من هم دوباره به سمت پنجره فولاد اشاره کردم، ولی او باز جلو آمد و یک ۵هزار تومانی توی دستم گذاشت. این ماجرا همین‌طور ادامه داشت تا او بالاخره یک تراول ۵۰هزار تومانی از جیبش دراورد. به شوخی گفتم: «این را دیگر توی ضریح نمی‌اندام!» خلاصه همزمان بنده خدایی که عربی بلد بود، به کمک آمد و ماجرا را برای مرد عرب تعریف کرد. هر دو کلی خندیدیم و این اتفاق باعث دوستی من و ایشان شد.

از ۱۵ سالگی پول درآورده و مستقل شده‌ام

مردم از رانندگی‌ام تعجب می‌کنند



❖ و بازاریابی در خارج چطور انجام می‌شود؟

خب برخی از دوستان من را به آدم‌هایی در آنجا معرفی می‌کنند. از همین طریق هم موفق شدم‌ام تا امروز کارهایم را برای دو کشور اروپایی بفروسم.

❖ به فکر ادامه تحصیل نیستید؟

راستش من فکر می‌کنم انسان باید از همه لحظات عمرش استفاده کند. برای همین در کنار مشغله‌های مختلفی که دارم، تصمیم گرفتم‌ام درس خواندن را هم ادامه بدهم. دوست دارم در رشته روانشناسی تحصیل کنم.

❖ با وجود مشکلات معلولیت، زمانی کوهنوردی می‌کردید. آیا هنوز هم کوهنوردی را ادامه می‌دهید؟
متأسفانه در حال حاضر نه. چون هم مشغله‌هایم زیاد شده

و هم صاحب دو بچه شده‌ام. الان وقتی در خانه هستم برای دو فرزندم خیلی وقت می‌گذارم و شب با همه خستگی حتماً با آن‌ها بازی می‌کنم. وقتی در خانه باشم، حداقل یک یا دو ساعت با آن‌ها بازی می‌کنم و بخشی از وقتم را به آن‌ها اختصاص می‌دهم. البته حالا که صحبت از ورزش شد، این را بگویم که من شطرنج را هم پیگیری می‌کردم و شطرنجم خوب بود. موقع المپیاد جهانی معلولان هم در دو رشته شطرنج و نقاشی شرکت کرده بودم، اما گفتند می‌توانم فقط در یک رشته شرکت کنم. برای همین از شطرنج انصراف دادم و در نقاشی شرکت کردم. در حالی که شطرنجم خیلی خوب بود. جالب اینکه وقتی برای شرکت در المپیاد به هندوستان می‌رفتم، چند بار نفر اولی را که از ایران انتخاب شده بود، شکست دادم.

سوار ماشینم بشوم.

منصور انوری از پایان رمان ۱۲ جلدی آتش خبر داد

«جاده جنگ» به انتها رسید



تسنیم: منصور انوری، نویسنده رمان «جاده جنگ» از پایان این مجموعه ۱۲ جلدی خبر داد و گفت: «جاده جنگ» روایتی داستانی از تاریخ ایران از دهه ۲۰ تا سال ۴۲ را دربردارد. این اثر با رحلت آیت‌الله روح‌رودی در سال ۴۱ و آغاز مرجعیت امام به پایان می‌رسد. در این بخش، وقایع سیاسی مهم این سال‌ها مانند انقلاب سفید و انجمن‌های ایالتی و ولایتی که بعدها زمینه‌ساز نهضت ۱۵ خرداد شد، نقل می‌شود. ادامه ماجرا و پیگیری زمینه‌های انقلاب در کتاب «گذرگاه» پرداخته می‌شود.

وی در پاسخ به این پرسش که معمولاً اولین جرقه‌های شکل‌گیری انقلاب را دهه ۴۰ می‌دانند، اما شما در «جاده جنگ» از وقایع دهه ۲۰ شروع کرده‌اید، گفت: من از سال ۲۰ شروع به بیان داستان خود کردم که این هم دلایل متعددی دارد. ما از دهه ۲۰ تا دهه ۶۰ دو جنگ بزرگ جهانی دوم و جنگ تحمیلی را تجربه کردیم. من قصد داشتم با مقایسه‌ای میان این دو واقعه انجام شود تا ببینیم که در آن جنگ چه طور ظاهر شدیم و در این جنگ به چه صورتی اقدام کردیم. می‌خواستم واکنش مردم یک کشور را در واقعه‌ای با نام جنگ نشان دهم.

به گفته انوری؛ ما در جنگ جهانی دوم ۱۰ دقیقه‌ای مقاومت نکردیم، اما در جنگ تحمیلی مردانه هشت سال ایستادیم. ما در تاریخ نمونه‌ای را نداریم که حتی مردم در این زمان چند ساعت در مقابل اشغالگران ایستاده باشند. نه تنها مردم عادی که حتی سربازان و درجه‌داران ارتشی هم نایستادند. تاریخ گواهی می‌دهد که درجه‌دارانی داشتیم که فاسد بودند و تنها برای نان و زندگی خودشان در آن لباس مانده بودند و در کشاکش جنگ فقط می‌خواستند جان خودشان را حفظ کنند.

به عنوان نمونه، در وقایع شهر مشهد ثبت شده که سربازان سرگردان و آواره بودند، به دنبال رهبری بودند که آن‌ها را هدایت کند، اما در همین زمان فرمانده لشکر وقت تمام وسایل زندگی خود حتی زغال خانه‌اش را بار ماشین کرد و به تهران رفت؛ این در حالی است که سربازان با همه کمبودهای موجود آماده دفاع از مملکت خود بودند. آن‌ها پولی نداشتند که به خانه خود برگردند و حتی پولی که نانی بخردند و بخورند، اما تعرضی به خانه‌ها و مغازه‌ها نکردند. در منابع تاریخی‌ای ندیدیم که این سربازان از حربه زور و اسلحه خود استفاده کنند و نانی بگیرند. سر خم می‌کردند و مانند دیگر مردم بودند. بسیاری از این افراد را بین رفتند و حتی نتوانستند به شهر و خانه خود بازگردند.

«جاده جنگ» نوشته منصور انوری تاکنون با استقبال زیادی از سوی خوانندگان مواجه شده و توانسته جوایز زیادی را نیز به دست آورد. این کتاب در دوره چهاردهم جایزه «کتاب فصل» و هشتمین دوره جایزه «قلم زرین» و همچنین در چهارمین دوره جایزه جلال آل‌احمد به عنوان کتاب برگزیده انتخاب شده است.

منصور انوری نویسنده رمان «جاده جنگ» که حدود ۱۰ سال از وقت خود را صرف تحقیق این مجموعه ۱۲ جلدی کرده، در تگارش این اثر از منابعی همچون خاطرات شفاهی مردم مناطق مختلف، اسناد موجود در آرشیو آستان قدس رضوی، بنیاد شهید و امور ایثارگران و گفت‌وگو با سیدرضا شریفی، استفاده کرده است. قرار است جلد یازدهم این اثر تا سی و دومین دوره نمایشگاه کتاب تهران روانه بازار نشر شود.

♦ فلسفه این نمایشگاه صرفاً نقد برجام است؟
خیر. تقریباً چهار سالی می‌شود که من برای آماده کردن این نمایشگاه وقت می‌گذارم و طبیعی است که موضوعات متنوعی را در بر می‌گیرد. اگر بخواهیم نمایشگاه را به دو بخش تقسیم کنیم، یک بخش دارای ۴۷ اثر و با موضوعات متنوع اجتماعی است و یک بخش دارای ۵۷ اثر و مخصوص موضوع برجام است. در واقع نمایشگاه به دو بخش آزاد و موضوعی تقسیم می‌شود.

♦ بازخوردها چگونه بوده است؟
معمولاً نمایشگاه‌ها خودشان آنچنان مورد اقبال واقع نمی‌شوند، اگر به موزه هنرهای معاصر هم بروید، آدم‌های معدودی را می‌بینید که برای دیدن نمایشگاه آمده‌اند. اما نکته‌ای که وجود دارد، این است که نمایشگاه‌ها ظرفیت‌های متنوعی از یک موضوع را آزاد می‌کنند؛ یعنی همین که شما با من تماس می‌گیرید و درباره این نمایشگاه صحبت می‌کنید و آن را در روزنامه خودتان منتشر می‌کنید، بخشی از ظرفیت این نمایشگاه آزاد شده است، در واقع نمایشگاه بهانه‌ای برای بیشتر دیده شدن کار است. وجه دیگر برپایی یک نمایشگاه دیده شدن آثار و نقد و بررسی آن‌ها توسط هنرمندان و اساتید هنر است تا از این رهگذر، آثار هنرمند نقد شود و کاستی‌هایش مشخص شود.

ظرفیت دیگر یک نمایشگاه ارتباط هنرمندان جوان با هنرمندان باسابقه‌تر است تا به واسطه این مواجهه مستقیم، هنرآموزان تجربیات جدیدی کسب کنند و آموزش عملی ببینند. به نظرم برای برپایی یک نمایشگاه باید ببینیم که وجوه متنوعش چقدر فعال است، نه اینکه صرفاً به یک بازدید بسنده کنیم.

♦ اقدام شما برای ماندگاری یک واقعیت عبرت‌آموز در فضای سیاسی و اجتماعی کشور را تحسین می‌کنم، اما آیا هنر می‌تواند از بروز اتفاقات مشابه جلوگیری کند؟ یا توجه به اینکه تجربه برجام در سال‌های متعدد تکرار شده بود و باز مسئولان و مردم آن را فراموش کرده بودند.

جمله معروفی است که می‌گوید کاریکاتور‌ها اسناد تصویری تاریخ هستند. به عنوان مثال، شما اگر کاریکاتورهای تاریخی دوره قاجار را ببینید متوجه حس و حال آن دوره می‌شوید. شاید متنی که شما از آن دوره می‌خوانید، خیلی شما را به آن فضا نزدیک نکند اما

ادب و هنر/ سیدمصطفی فاطمی نسب | هنر متعالی خبر از جهانی برتر می‌دهد و هنر مادی صرفاً بازتاب جهان پیرامون است. فرق است میان هنرمندی که فقط از مشکلات خود می‌گوید و هنرمندی که خودش را وقف مشکلات یک ملت می‌کند. محمدحسین نیرومند، کاریکاتوریست باسابقه کشورمان هنر خروج از معیارهای بر ساخته بشعر امروز را دارد و در کارهایش هنر را وقف مشکلات و دغدغه‌های مردم کشورش می‌کند. این موضوع در نمایشگاه

بها دیدن یک کاریکاتور، تصویری عینی از فضای اجتماعی و فرهنگی آن دوره در ذهن شما شکل می‌گیرد یا در دوره پهلوی اول کاریکاتورهای زیادی کار شده است که با دیدن آن می‌توان به خوبی جریانات سیاسی و روابط آدم‌ها را بفهمی. من به عنوان کسی که زبان تصویر را به جای زبان کلامی انتخاب کرده است روایت برجام را از منظر کسی که نقد دارد به نمایش گذاشتم؛ برای اینکه آندگان بدانند گروهی بودند که نشستند و سرنوشت یک مملکت را به یک مذاکره



پیوند زدند، در حالی که از همان ابتدا مشخص بود که دشمنی غرب با ما ایدئولوژیکی است نه چیز دیگر. البته من با اصل مذاکرات مخالف نیستم اما این ذوق‌زدگی و خوشبینی مغرط در کنار نپرداختن به اقتصاد داخلی ضربه غیرقابل جبرانی به کشور ما زد که نتیجه آن را امروزه در شرایط کشور مشاهده می‌کنید.

گاهی تاریخ را کسانی روایت می‌کنند که حسب و بغض گروهی و جناحی دارند و شما به عنوان یک هنرمند وظیفه دارید جلوی این

گرافیک و کاریکاتور او به نام «حق مسلم ماست» که در گالری ابوالفضل عالی حوزه هنری برپا شده به خوبی نمایان است. نیرومند تاکنون موفقیت‌های زیادی از جمله دریافت جایزه ویژه بومبوری شیمبون ژاپن، دریافت نشان عالی تجسمی کشور، دریافت لوح درجه یک هنری و... در کارنامه خود کسب کرده است. با این هنرمند درباره هنر پرداختن به مشکلات جامعه و حال و هوای نمایشگاهش گفت‌وگو کرده‌ایم:

تحریف بایستید.

♦ چرا هنرمندان مختلف کشور در برابر این موضوع مهم واکنش خاصی نشان ندادند؟

برشل

جمله معروفی است که می‌گوید کاریکاتور‌ها اسناد تصویری تاریخ هستند. به عنوان مثال، شما اگر کاریکاتورهای تاریخی دوره قاجار را ببینید متوجه حس و حال آن دوره می‌شوید

هنر شکل‌های مختلفی دارد. من وقتی هنر کاریکاتور و گرافیک را انتخاب می‌کنم یعنی هنر رسانه را انتخاب کرده‌ام. ولی وقتی کسی نقاشی را انتخاب می‌کند به دنبال این است که جنبه احساسی مخاطب را درگیر کند، یعنی وقتی‌قالبی را انتخاب می‌کنید دیگر همه موضوعات در آن قالب بیان نمی‌شود. به عنوان مثال، موضوع سیاسی در قالب کاریکاتور و گرافیک یا طنز بهتر بیان می‌شود. این انتظار که ما می‌خواهیم همه هنرمندان و همه گونه‌های هنری در موضوعی واحد ورود پیدا کنند انتظار درستی نیست.

باید نسبت میان سیاست و یک هنر، نسبت نزدیکی باشد. از طرف دیگر بخش اعظم جامعه هنری ما کسانی بودند که پس از امضای برجام جشن گرفتند و هنوز هم تصورشان این است که ما اگر با آمریکا ارتباط داشته باشیم همه چیز درست می‌شود. این انتظار که ما می‌خواهیم بسیاری از این‌ها نمی‌دانند که قبل از انقلاب که ما بهترین روابط جهان با آمریکا را داشتیم، گاو شیردهی بودیم که امروز ملک سلمان است. یعنی نهایت روابط ما با یک کشور قلدری مثل آمریکا می‌شود عربستان امروز!



♦ برای اینکه هنر شما از شعار عبور کند و جنبه اقناعی داشته باشد، چه کردید؟
هنر کار دشواری است. شما در سطوح مختلف باید کیفیت کارهایت را ارتقا دهی. اولین شرطش جذابیت است که مخاطب را به سمت یک اثر می‌کشاند. پس از آنکه مخاطب جذب شد، باید اثر را درک و فهمد کند و فهمش باعث تغییر نگرش و در نهایت تغییر رفتارش شود. بخشی از این مسیر به هنرمند برمی گردد. من وقتی قالب کاریکاتور را انتخاب می‌کنم به دلیل طنز و لیخندي که در کار نهفته است، معمولاً توده‌ها بیشتر با آن ارتباط برقرار می‌کنند. یعنی از ابتدا آن قالب، توسط این لیخنند مخاطب را به اثر وصل می‌کند. اما اینکه چقدر فهم و ادراک و تغییر نگرش و مسائل پس از آن اتفاق می‌افتد مسئله درازدامنی است که بحث دیگری می‌طلبد.

♦ برای اینکه آثارتان را قشر وسیع‌تری از جامعه ببینند چه کاری کرده‌اید؟ آیا مدلی برای دیده شدن بیشتر در نظر دارید؟ مثلاً انتشار آن در فضای مجازی؟

من به عنوان تولیدکننده کالای فرهنگی وظیفه‌ای دارم و آن تولید اثر است. اما نکته اینجاست که یک تولیدکننده نمی‌تواند توزیع کننده خوبی هم بشود. مثلاً کسی که کارگردانی می‌کند نمی‌تواند پخش کننده خوبی هم باشد، کسی که کتاب می‌نویسد نمی‌تواند پخش کننده خوبی هم در حوزه نشر باشد. اینجا سیستمی باید شکل بگیرد که من اسمش را مدیریت فرهنگی می‌گذارم. مدیریت فرهنگی کشور باید از من تولیدکننده فرهنگی حمایت کند. به عنوان مثال برای هنرمندی مثل من که مشهودی است چند گالری برای ارائه کار در مشهد وجود دارد؟ می‌دانم که گالری باکیفیت در مشهد نیست؛ در شهرستان‌ها که جای خود دارد. ما ۱۰۰۰ شهر داریم شاید به زور در ۵۰ تای آن گالری پیدا کنید. سیستم فرهنگی ما تلاش کرده که فضای مناسب را فراهم کند.

در حوزه فضای مجازی هم همین‌طور. من باید به کجا مراجعه کنم که کارهایم دیده شود؟ نهایتش در صفحه شخصی خودم در اینستاگرام منتشر می‌کنم. اما یک سیستم باهوش فرهنگی فضایی را ایجاد می‌کند که کار من نه تنها در ایران که در دنیا دیده شود. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید در این زمینه ورود پیدا کند. هزینه زیادی هم ندارد. فقط کمی همت و به کارگیری عقل می‌خواهد. ما در اقلیت هستیم اما اقلیت فعال!

پذیرش ۳۷۰۸۸ آگهی

آگهی منفردی
دفترچه مالکیت کامیون پنز ۱۹۲۱ به شماره انتظامی ۲۸۷۱۱-تهران-۱۷ به شماره شاسی ۱۶۵۸۴۴۷ به شماره موتور ۱۰۰۶۰۸۸۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می گردد.

آگهی دعوت به جلسه مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام شرکت آباد بوم آذر خشی (مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۴۴۱۰۹۶ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۵۳۴۴۷
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت آباد بوم آذر خشی (با مسئولیت محدود) یا نمایندگان قانونی آنان دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده شرکت که راس ساعت ۹:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۷ در محل قانونی تشکیل می شود حضور بهم رسانند. دستور جلسه: ۱- اختلال شرکت ۲- سایر موارد به همراه داشتن کارت شناسانی معتبر و معرفی نامه معتبر برای حضور نمایندگان اشخاص حقیقی و حقوقی در جلسه مجمع فوق الزامی می باشد. رئیس هیات مدیره

آگهی تغییرات شرکت روستایی سعد آباد شرکت تعاونی به شماره ثبت ۸۷ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۱۱۷۲۶۹
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷،۰۶،۲۲ و نامه شماره ۵۱۶،۹۱،۴۷۲۱ مورخ ۱۳۹۷،۰۶،۲۷ اداره تعاون روستایی شهرستان تایباد تصمیحات ذیل اتخاذ شد: - سمت اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: - آقای احمد شاکری به سمت رئیس هیئت مدیره آقای اله بخش خالقی ارزتجه علیا به سمت نائب رئیس هیئت مدیره آقای نعمت اله عبداللهی فرمان آبادی به سمت منشی هیئت مدیره آقای غلامرضا عبدالحی سعدآبادی بسمت عضواصلی هیئت مدیره آقای حمیدرضا خالقی بسمت عضواصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۹۸،۱۱،۲۰ انتخاب گردیدند . کلیه قراردادهای و اسناد رسمی و تعهد آور بانکی از قبیل چک ، سفته و بروات و اوراق بهادار با امضای مشترک آقای غلامحیدر روشن (مدیرعامل خارج از اعضای هیئت مدیره)و آقای احمد شاکری (رئیس هیئت مدیره) و در غیاب ایشان آقای اله بخش خالقی ارزتجه علیا (نایب رئیس هیئت مدیره) و مهر شرکت دارای اعتبار است و اسناد عادی و نامه ها با امضای آقای غلامحیدر روشن (مدیرعامل) و مهر شرکت معتبر خواهد بود.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تایباد (۳۲۵۳۹۸)

آگهی تغییرات شرکت صنعتی ادریس شیمی شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۷۹۰ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۰۴۲۰۳
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷،۰۶،۳۱ تصمیحات ذیل اتخاذ شد: آقای حسین مستشاری به شماره ملی ۳۲۵۶۵۴۱۹۸۴ به سمت رئیس هیئت مدیره آقای امیرعباس مستشاری به شماره ملی ۰۹۳۰۶۸۸۲۶۰ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل آقای امیر احد مستشاری به شماره ملی ۰۹۳۷۷۶۸۴۵۶ به سمت عضو هیئت مدیره گردیدند. کلیه اسناد و اوراق تعهد آور شرکت با دو امضاء از سه امضاء اعضای اصلی هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۳۲۵۳۴۰)

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه ای سامان پوشش شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۶۷۲ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۲۲۶۲۹
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷،۰۲،۰۵ و نامه شماره ۰۹۷۰۹۸۱ مورخ ۰۹۷،۳،۸ مدیریبت امور نمایندندگان و کارگزاران تصمیحات ذیل اتخاذ شد: ۱- آقای محمودایوبی کدملی: ۰۹۳۳۰۳۵۶۹۱ به سمت رئیس هیئت مدیره ۲- خانم محبوبه نوروزی مداح کدملی: ۰۹۴۲۸۵۳۳۹۳ به سمت نایب رئیس ۳- آقای صادق مرتضائی کدملی: ۰۹۳۳۳۹۸۲۸۴ به سمت مدیرعامل -کلیه اسناد واوراق بهادار وتعهدآور شرکت با امضای مشترک آقای صادق مرتضائی و آقای محمود ایوبی همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۳۲۵۳۷۹)

آگهی انحلال فرهنگ گستران شایگان موسسه غیر تجاری به شماره ثبت ۲۶۴۱ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۵۰۹۲۲۰
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷،۰۹،۰۵ و نامه شماره ۰۹۷،۳،۱۳۱۱۹ مورخ ۰۹۷،۰۳،۱۶ مورخ ۱۳۹۷،۰۹،۱۰ اداره کل فرهنگ وارشاد اسلامی خراسان رضوی تصمیحات ذیل اتخاذ شد: ۱ - شرکت مذکور در تاریخ فوق منحل اعلام گردید و آقای علی عرب زاده به شماره ملی ۰۹۴۴۸۰۸۲۰۴ به سمت مدیر تصفیه مؤسسه برای مدت ۲ سال انتخاب گردید.و محل تصفیه: مشهد -امام خمینی -خیابان شهید فروزنده-خیابان امام خمینی ۶۳ پلاک ۶۳ (شهید فروزنده ۲) پلاک ۶ طبقه همکف به کدپستی: ۹۱۷۴۸۸۵۷۷۵ میباشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۳۲۵۳۰۱)

آگهی تغییرات شرکت حمل و نقل داخلی کالا راهیان خراسان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۰۷۱۸ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۶۴۳۱۶
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷،۰۳،۳۱ و نامه شماره ۰۹۷،۲۷۲۶ مورخ ۱۳۹۷،۰۷،۱۸ انجمن منفی شرکت ها و موسسات حمل و نقل داخلی کالای مشهد تصمیحات ذیل اتخاذ شد: آقای موسی مهر افروز به شماره ملی ۵۵۳۹۶۸۵۶۵۲ به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای حسن مهر افروز به شماره ملی ۰۹۴۶۰۵۹۳۸۱ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و آقای جواد مهر افروز به شماره ملی ۰۹۲۰۳۰۸۳۷۶ به سمت عضو هیئت مدیره و آقای بهمن لطفی احسان آبادی به شماره ملی ۰۸۷۲۳۳۴۵۵۲ به سمت مدیرعامل (خارج از هیئت مدیره) برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته ، بروات ، قراردادهای و عقوداسلامی با امضاء ثابت مدیرعامل و رئیس یا نائب رئیس همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۳۲۵۳۰۰)

آگهی تغییرات شرکت صنعتی آبتین رزین شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۶۶۲۸ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۷۵۹۵۰
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷،۰۶،۲۷ تصمیحات ذیل اتخاذ شد: - روزنامه کثیرالانتشار قدس جهت درج آگهی های شرکت تعیین شد. - آقای محمدرضا خالقی پناه به شماره ملی ۰۹۳۷۶۴۲۳۹۸ به عنوان بازرس اصلی و آقای ابوالفضل پورقنبر به شماره ملی ۰۹۳۳۰۸۶۷۰۹ به عنوان بازرس علی البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. - اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل برای مدت دو سال انتخاب گردیدند: آقای امیر عباس مستشاری به شماره ملی ۰۹۳۰۶۸۸۲۶۰ و آقای حسین مستشاری به شماره ملی ۳۲۵۶۵۴۱۹۸۴ و آقای امیر احد مستشاری به شماره ملی ۰۹۳۷۷۶۸۴۵۶

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۳۲۵۳۶۹)

فهرست سربازان

سینما و سینما

دوشنبه ۳ دی ۱۳۹۷

۱۵ ۱۶ ربيع الثانی ۱۴۴۰ ۲۴ دسامبر ۲۰۱۸ **سال سی و دوم** و **شماره ۱ ۸۸۶**

خبر

زمان بر گزاری نهمین جشنواره «عمار» اعلام شد

مهر: نهمین دوره جشنواره مردمی فیلم «عمار» از ۹ تا ۲۰ دی بر گزار می‌شود. به نقل از روابط عمومی جشنواره، بر اساس اعلام دبیرخانه جشنواره مردمی فیلم «عمار» نهمین دوره ادامه پیدا می‌کند.

در این دوره جشنواره، علاوه بر حضور فیلمسازان در بخش‌های «فیلم»، «تقد، مقاله و پژوهش‌های سینمایی» و «فیلم ما»، در بخش «فراخوان‌های مردمی» این جشنواره نیز افراد، فعالان و تشکل‌های فرهنگی مردمی موضوعات و دغدغه‌های خود را برای ساخت فیلم به دبیرخانه جشنواره اعلام کرده‌اند که روند اجرایی این بخش تازه بزودی از طرف دبیرخانه اطلاع‌رسانی می‌شود.علاقه مندان به اکران مردمی فیلم‌های این جشنواره نیز برای دریافت و نمایش آثار جشنواره در شهر و روستای خود می‌توانند به سایت Ekranamarfilm.ir مراجعه کنند.

«**تنگه ابوقریب» به‌شبهه‌نمایش خانگی می‌آید**

بانای فیلم: فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» بهترین فیلم جشنواره سی و ششم فجر به کارگردانی بهرام توکلی چهارشنبه روانه بازار می‌شود.

فیلم سینمایی تنگه ابوقریب

محصول مرکز فیلم و سریال سازمان هنری رسانهای اوج به کارگردانی بهرام توکلی و تهیه‌کنندگی سعید ملکان که به تازگی اکران خود را پشت سر گذاشته است، وارد شبکه نمایش خانگی می‌شود.

بهترین فیلم جشنواره سی و ششم فجر قرار است از چهارشنبه ۵ دی‌ماه روانه بازار شود و پخش آن را مؤسسه تصویری حوزه هنری برعهده دارد. فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» در اکران عمومی حدود ۶ میلیارد تومان بلیت فروشی کرد.

جواد عزتی، مهدی پاکدل، امیر جدیدی، حمیدرضا آذرنگ، علی سلیمانی و مهدی قربانی از جمله بازیگران فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» هستند. سایر عوامل فیلم عبارتند از: مدیر فیلمبرداری: حمید خضوعی،ایناه، طراح صحنه و لباس: محمدرضا شجاعی، صударبارز: رشید دانشمند، طراحی و ترکیب صدا: امیرحسین قاسمی، مدیر تولید: محمدرضا منصوری، برنامه‌ریز: علی مرانده، دستیار اول کارگردان: محمد عسگری، جانشین تولید: کیومرث عباسی، عکاس: محمد بدرلو، محصول مرکز فیلم و سریال سازمان هنری - رسانه‌ای اوج.

سینمای ماپاسخگوی عظمت و تأثیرات انقلاب نبوده‌است

سینمایاوس: جمال شورجه کارگردان سینما همزمان با فعالیت هیئت انتخاب سیی و هفتمین جشنواره فیلم فجر گفت: موضوع و مضمونی که جشنواره فیلم فجر آن را به یکد می‌شد ایا الله

دهه فجر است و این وظیفه یکایک اعضای هیئت انتخاب، مسئولان سازمان سینمایی، دبیر جشنواره و یکایک سینماگران است که از سینمای نظام جمهوری اسلامی ایران حراست کنند و آثاری متناسب با فرهنگ و آرمان‌های ملی و انقلابی را به نمایش بگذارند.کارگردان فیلم سینمایی «حماسه مجنون» تأکید کرد: در واقع نظر اصلی بنده این است که اعضای هیئت انتخاب و دآوری در جشنواره فیلم فجر به هیچ عنوان نباید مرعوب ساختار فیلم‌ها شوند و باید فیلم‌ها را از نظر محتوایی رصد و بررسی کنند. آن‌ها موظف هستند به این نتیجه برسند که کامیاب‌ک از این فیلم‌ها همسو و هم جهت با اهداف و آرمان‌های اصلی جشنواره هستند.البته این بدان معنا نیست که آن‌ها ساختار فیلم‌ها را نادیده بگیرند،چرا که قاعدتاً یکی از فاکتورهای دیگری که می‌تواند در هر فیلمی مؤثر باشد کیفیت ساختاری فیلم‌هاست.

کارگردان فیلم سینمایی «خلبان» تأکید کرد:باید در این زمینه دقت بیشتری شده، یکی از فیلمسازان دنیال حضور در جشنواره‌های جهانی هستند. این حضور عزت و افتخار آفرین نیست و سبب سرشکستگی سینما و کل کشور و جامعه ماست. سینمای ما به لحاظ محتوایی رشد نکرده و ما پاسخگوی عظمت و بزرگی و تأثیرات انقلاب اسلامی ایران ندهادیم و از قالب سینما نئوسانسیه انقلاب شکوهمند اسلامی را به جهان صادر و با ترویج کنب، این سینماگر در پایان این گفت‌وگو افزود: سال‌ها ما دچار این نوع مشکلات بودیم، این نوع فیلم‌ها با اهداف و انقلاب و آرمان‌های شهدا زایوه دارند البته جامعیت سینما را تشکیل نمی‌دهند، اما هستند و نباید آن‌ها را نادیده بگیریم و بگذاریم.باشند، هر حال بین دهها دوست یک دشمن هم زیاد است و نباید این دشمن را نادیده گرفت.

فصل دوم برنامه «شوکران» تولید می‌شود

سینمایاوس: «مسعودمعینی‌پور» مدیر شبکه چهار بیان کرد: فصل دوم برنامه «شوکران» طراحی شده و امید است در اوایل سال آینده، روی آنتن برود.

شبکه چهار سیما در گفت‌وگو با یک خبرگزاری از پایان فصل اول برنامه تلویزیونی شوکران خبر داد و گفت: به علت استقبال گسترده و مطالبه زیاد مخاطبان، دوشنبه این هفته گفت‌وگو با دکتر حسین کچوییان بازیخش خواهد شد و فصل اول شوکران با این برنامه خاتمه می‌یابد. معینی‌پور افزود: برنامه شوکران نماد روشنفکری انقلاب اسلامی است و راهی بر پیچ و خم را آغاز کرده است. چارچوب و خط مشی‌های فصل دوم شوکران طراحی شده و امید است در اوایل سال آینده، روی آنتن برود. به با مشارکت حوزه هنری تولید شده و ادامه خواهد داشت. عضو هیئت علمی دانشگاه باقر العلوم (ع) خاطر نشان کرد: گفت‌وگوهایی با آقایان دکتر علینقی مشایخی، دکتر غلامحسین ابراهیمی دبنانی، دکتر داور نیک‌خواه‌ی و دیگر اندیشمندان نیز انجام شده است که در مجال بعدی این برنامه در کنار دیگر گفت‌وگوها پخش خواهد شد. برنامه شوکران که ساخت فصل اول آن از پاییز ۱۳۹۶ آغاز شده است، به سردبیری پیام فضلی‌نژاد و تهیه‌کنندگی علی قربانی از مرداد ماه ۱۳۹۷ به مدت ۵ ماه روی آنتن شبکه چهار سیما بود.

جواد طوسی و محمد تقی فهیم در برنامه کیوسک دو فیلم روی پرده را بررسی کردند

«بمب...» یک عاشقانه پریشان، «سرو...» یک عار فانه ملی



مردم قدر این فیلم را ندانستند

محمد تقی فهیم نیز با تأکید بر اینکه فیلم «سرو زیرآب» به اندازه شب یلدا مهم است که می‌توان اطلاق ملی به آن داد، اظهار داشت: متأسفانه مردم

و سیاست‌گذاران فرهنگی در اکران، قدر این فیلم را ندانستند. من هم معتقدم که بهترین فیلم باشه آهنگر، «فرزند خاک» است. فیلم «ملکه» هم مهم است، ولی هیچ کدام از فیلم‌های باشه آهنگر نتوانستند «فرزند خاک» شوند. استمرار و مقاومت باشه آهنگر در سینمای دفاع مقدس قابل توجه است، اما «فیلم سرو زیر آب»: «ملکه» عقب‌تر است و هر دوی آن‌ها از «فرزند خاک».

به باور او، آخرین ساخته این فیلمساز در روایت از «ملکه» عقب‌تر است و انسجام و پرداخت درست «فرزند خاک» را ندارد. این اثر در موقعیت در جا می‌زند و کم می‌آورد. فیلم بسیار طولانی است و با وجود لوکیشن‌های جذابی که در سه استان دارد

چون قصه پردازی قوی ندارد، در گیشه موفق نمی‌شود. فهیم با بیان اینکه اشکالی که به فیلم وارد است

فهیم با بیان اینکه اشکالی که به فیلم وارد است اینکه قصه ندارد، گفت: فیلمساز در قصه گویی کم می‌آورد. کاراکتر اضافی هم زیاد دارد. اگر ۲۵ میلیون مخاطب بالقوه به سینما نمی‌روند بخشی به فیلم‌ها برمی‌گردد، ما سینمایی داریم که دچار

وضعیتی شده که در این سینما، «سرو زیر آب» فیلم مهمی است، اما فیلم در حوزه سینما، هنوز خرد شده یعنی فیلم ایده، فیلم پروداکشن و فیلم مردم پیرنگ است.

طوسی معتقد است دلیل این اشکال به خاطر اصراری است که باشه آهنگر بر مؤلف بودن دارد. فهیم افزود: فیلمساز روی میزانش تمرکز می‌کند مثلاً معراج، فصل‌های خوبی دارد، ولی فقط به پروداکشن و صحنه توجه شده که موجب کم‌رنگ شدن قصه و محو شدن شخصیت‌ها شده است.

در واقع فهیم نتوانست در داستان، افتتاحیه خوبی را رقم بزند. مخاطب ۳۰ دقیقه اول را باید تحمل

فرزند خاک در مقایسه با دو فیلم اخیر باشه آهنگر قصه بر پیمان تری دارد؛ ولی در پروداکشن همچون فیلم «ملکه و سرو زیر آب» نسبت چوَن این دو فیلم در پروداکشن خیلی عریض و طویل هستند و اتکای ریشه داری با تاریخ سرزمین ما دارند.

می‌شود که این گونه‌های مختلف، فیلم را پریشان کرده است.

طوسی اظهار داشت: آخرین ساخته معادی، فیلم موفق است که خیلی جلوتر از فیلم قبلی اوست و ارجاعات خوبی به دهه ۶۰ دارد. ما در این فیلم، تأثیرپذیری نسل‌ها را شاهد هستیم در حالی که دهه ۶۰ را تحریف یا مخدوش نکرده است.

فهیم اما نظر دیگری در بازسازی دهه ۶۰ در این فیلم داشت و افزود: دهه ۶۰ که دهه کتلب پیچی و جاسازی کتاب نبود، این مربوط به دهه ۵۰ است.

روایت و لحن یکدست نیست

طوسی درباره نظر فهیم که فیلم را پریشان و چندپاره خوانده بود، گفت: قبول ندارم که ملودرام فیلم سطحی است بلکه رابطه سرد زن و شوهر، عاملانه است و این فیلم شاهد تأثیرپذیری عاملانه عاطفی زوج جوان از نسل نوجوان مانده شرایط جنگ است که این اتفاق، سبب می‌شود گسستگی که بین زن و شوهر است، به این بهانه تبدیل به دیالوگ شود. در این فیلم روابط عاطفی برای فیلمساز مهم است و نشان می‌دهد که ایدئولوژی‌ها در حد همان دیوارنوشته‌ها هستند.

ایس منتقد درباره اینکه ارجاعات دهه ۶۰ منکف از فیلم نیستند، عنوان کرد: مسیر فیلم، دهه ۶۰ را نشان می‌دهد. در این فیلم نشانه‌ش شناسی اشیا را داریم همچون میکروفون مدرسه یا شیرهای آب، پوستر فیلم «خانه دوست کجاست؟» و ارجاعات مربوط به همان زمان که در نهایت به آدم‌های رس‌د، آدم‌هایی که از هم تأثیر می‌گیرند.

فهیم در پایان یادآور شد: آخرین ساخته پیمان معادی، فیلم ضعیفی نیست، ولی این فیلم باید از قالب تلویزیونی تبدیل به سینما می‌شد. سینما قواعدی دارد ولی در «بمب یک عاشقانه»، به دلیل



برش

محمد تقی فهیم : فیلم «بمب» فیلم موقعیت و خرده پیرنگ‌هاست و نه فیلم قهرمان و پاسخگو به خواسته‌های مخاطب. فیلم در جاهایی نوستالژی‌های دهه ۶۰ را مورد هجوم قرار می‌دهد در حالی که دهه ۶۰، دهه مورد علاقه مردم است. فیلم سه گونه سینما را در سه لوکیشن مدرسه، آپارتمان و پناهگاه به تصویر می‌کشد؛ مثلاً در آپارتمان، فیلم ملودرامی بخ زده است و در پناهگاه وارد گونه وحشت می‌شود که این گونه‌های مختلف، فیلم را پریشان کرده است

فیلم بعدی که مورد نقد و بررسی قرار گرفت آخرین ساخته پیمان معادی بود که روی پرده است و شروع بدی در گیشه نداشته است. فهیم گفت: این فیلم دارای ویژگی‌های مخاطب پسند است و شاید یکی از دلایل شروع نسبتاً خوب آن در گیشه، این است که فیلم مطابق با پسند مخاطب ساخته شده و نسبت به فیلم قبلی معادی، بهتر است.

به باور او، فیلم «برف روی کاج‌ها» یک فیلم شعارزده و فاقد مؤلفه‌های سینما بود اما فیلم «بمب یک عاشقانه»، فیلمی رو به جلو است.

وی خاطرنشان کرد: این فیلم، فیلم موقعیت و خرده پیرنگ‌هاست و نه فیلم قهرمان و پاسخگو به خواسته‌های مخاطب. فیلم در جاهایی نوستالژی‌های دهه ۶۰ را مورد هجوم قرار می‌دهد در حالی که دهه ۶۰ دهه مورد علاقه مردم است. فیلم سه گونه سینمایی را در سه لوکیشن مدرسه، آپارتمان و پناهگاه به تصویر می‌کشد، مثلاً در آپارتمان، فیلم ملودرامی یخ زده است و در پناهگاه وارد گونه وحشت

مستولان نظارتی سوریه مشکلاتی داشتند تا جایی که جلوی پخش برخی سریال‌هایم را می‌گرفتند یا جلوی ادامه تصویربرداری را می‌گرفتند، اما با همه این مشکلات به عنوان کسی که به او ظلم شده لحظه‌ای به فکر خروج از کشور در دوره بحران و پشت کردن به آن و حمله به سوریه نبودم چراکه من به سوریه ایمان دارم».

این کارگردان سوری فیلم‌های سینمایی متعددی نیز کارگردانی کرده است که از جمله آن‌ها فیلم سینمایی «موکب الایام» داستان اسارت اهل بیت(ع) پس از حادثه کربلاست.

سایر آثار فیلمساز

از جمله دیگر آثار باسل الخطیب که در سطح بین‌المللی مطرح شده‌اند می‌توان به فیلم مادر اشاره کرد که جایزه هیئت داوران جشنواره بین‌المللی پیونگ یانگ کره شمالی را در سال ۲۰۱۶ از آن خود کرد. همچنین فیلم دیگر او با عنوان «سوریون» نیز همچون دو فیلم قبلی به وضعیت زنان سوریه در زمان جنگ پرداخته است. ریما خربزگار و عکاس سوری، در طول مأموریت رسانه‌ای خود در روستایی که توسط تروریست‌ها محاصره شده گرفتار می‌شود تا شاهد عینی سرنوشت غمانگیز مردم آنجا شود و خود را میان چالش‌های تهدیدآمیزی بیابد که وی را تاکنیز به تجدید نظر درباره تمام تصمیماتش در زندگی کند. باسل الخطیب در حاشیه اکران فیلم «سوریون» در جشنواره اسکندریه می‌گوید: «ها اکنون در سوریه و در داخل یک جنگ تمام عیار زندگی می‌کنیم و حال و روز سوریه را هیچ کسی جز خود سوریه‌ورن در نمی‌کند. این یک توطئه است که بر سر سرزمین ما و تمام ملت‌های عربی چیده شده است».

نکته قابل توجه آن است که فیلم «سوریون» در قلب درگیری‌های سوریه تولید و تصویربرداری شده و به گفته کارگردان، بازیگران این فیلم با خواندن یکی دو برگ از فیلمنامه همکاری قطعی خود را اعلام کرده‌اند. فیلم «سوریون» به دلیل محدودیت‌های امنیتی و سیاسی و دفاع از ارزش سوریه، با بایکوت رسانه‌ای و خبری از سوی جشنواره‌ها و رسانه‌های عربی مواجه شد و جشنواره فیلم قاهره که بزرگ‌ترین جشنواره فیلم در جهان عرب است با مشارکت این فیلم مخالفت کرد؛ بنابراین این فیلم تنها در جشنواره‌های رده پایین عربی همچون مدیترانه الجزایر و اسکندریه و هلند و چین اجازه اکران پیدا کرد.

فیلمی که قربانی سیاست بازی جشنوارها شد

این اتفاق دقیقاً سرنوشتی بود که فیلم «هریم» دچارش شد. «هریم» پس از تولید با بایکوت خبری و پخش مواجیه شد. این فیلم جز در دو جشنواره ایرانی، و یکی دو جشنواره عربی و اکران محدود در دمشق چیز دیگری نصیب نشد و تنها از جشنواره نه چندان مطرح وهران در الجزایر جایزه گرفت چون توسط جشنواره‌های عربی و غربی تحریم شده بود.

براساس گزارش‌ها این فیلم دچار سبب‌های نازی جشنواره‌های هنری شده است. به طور مثال جشنواره دبى از جمله جشنواره هایی بوده است که «هریم» را تحریم کرده است. یکی از مهم‌ترین برخورد‌های سیاسی با این فیلم مربوط به جشنواره کن است. جشنواره کن فیلم «هریم» را رد کرد و تنها نامه‌ای خطاب به باسل خطیب ارسال شد. به گفته کارگردان در این نامه آمده بود: «فیلم از ارزش هنری بالایی برخوردار است و فیلمی است که در جهان عرب چنین چیزی ندیده‌ایم، اما خبری قوانین غیرهنری اجازه نمی‌دهد.فیلمی سوری که توسط وزارت فرهنگ این کشور تهیه شده باشد در این جشنواره اکران شود».

سینما و سینما

جهان اسلام دنیال می‌شود هفته گذشته در دومین دور جدید برنامه سینماتک تهران فیلم «هریم» به کارگردانی باسل الخطیب به روی پرده

رفت. سجاد اسلامیان، مسئول سینماتک تهران در گفت‌وگو با خبرنگار کیهان اظهار داشت: هدف این برنامه شناخت مستقیم از جوامع کشورهای منطقه و بویژه کشورهای عربی، از طریق نمایش محصولات سینمایی برتر این کشورهاست. به این علت که شناخت جامعه ما و حتی دانشگاهیان ما از این کشورها، سطحی است، چون بیشتر از اخبار رسانه‌ها به دست آمده که این خبرها هم عموماً سیاسی هستند و نه فرهنگی و اجتماعی! اگر هم کسی کار عمیقی انجام داده و اطلاعات بیشتری را جست‌وجو کرده به جای اینکه به طور مستقیم و از زبان عربی باشد به طور غیرمستقیم و به واسطه کشورهای غربی است. وی افزود: در سینماتک تهران که دور جدید آن با عنوان «سینمای قریب» برگزار می‌شود، سعی می‌کنیم تا با انتخاب فیلم‌های داستانی و مستند مطرح در جهان اسلام، به تحلیل فرهنگی و اجتماعی کشورهای جهان عرب بپردازیم. در این مجموعه برنامه‌ها فیلم‌های مطرح مستند و داستانی از سینمای کشورهای اروپا و فلسطین، سوریه، مصر و… بازنویس فارسی به نمایش در می‌آیند و هدف تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند.

این کارشناس فرهنگی، ادامه داد: دور جدید سینماتک تهران با همکاری حوزه هنری و پایگاه‌الامه (وابسته به دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی) با نمایش هفت فیلم تا پایان سال ادامه خواهد داشت. در برنامه اول، مستند «۱۸ تعقیب» ساخته مستندساز برجسته فلسطینی، عامر الشوملی اکران شد و در برنامه دوم فیلم سینمایی «هریم» به کارگردانی فیلمساز مشهور اهل سوریه، باسل الخطیب که نمایش آن در جشنواره فیلم کن منع شد، به نمایش در آمد. به همین بهانه نگاهی به این فیلم خواهیم داشت.

داستانی زنانه و نمادین از سوریه

باسل الخطیب فیلمساز اهل سوریه که ۵۲ سال سن دارد، بعد از ۱۲ سال غیبت در صحنه سینما که طی آن بیشتر به کارهای تلویزیونی می‌پرداخت، به عرصه فیلمسازی بلند و کار در سینما بازگشته و حاصل آن فیلمی به نام «هریم» محصول ۲۰۱۳ است.

در این فیلم که سناریوی آن را خود باسل الخطیب و برادرش تألیف خطیب نوشته‌اند و هنرپیشه‌های مطرح سوریه در آن بازی کرده‌اند، به بهانه تشریح زندگی سه زن متعلق به سه عصر، ۱۰۰ سال از تاریخ سوریه ترسیم و به جنگ‌ها و برخی مشکلات بزرگ سوریه پرداخته می‌شود و همین عوارض هستند که در زندگی این سه زن جلوه‌ای دائمی دارند و ما آن‌ها را از دیدگاه این زنان می‌بینیم و منظر ما نسبت به این وقایع و ناملایمات و برخی خوشی‌ها، چشم‌ها و ایده‌های آنان است.

هر سه زن مریم نام دارند و اتفاقات مربوط به زن نخست در سال ۱۹۱۸ شکل می‌گیرد که حکومت عثمانی و بعد آنان در آستانه اتمام و بساطت جنگ جهانی اول در حال برچیده‌شدن است؛ زندگی این زن همراه با برخی رنج‌هاست و پایان تلخی هم دارد. باسل خطیب از طریق این واقعه به ما می‌گوید که سوریه در آن مقطع تاریخی و نقطه خاص روه روی ایندای نامعلوم قرار گرفته بود.

خطیب در قدم بعدی و برای ترسیم زندگی مردم دوم به سال ۱۹۶۷ سفر می‌کند و این‌بار با مریمی مواجه هستیم که مسیحی است و ۳۵ سال سن دارد و جنگ با رژیم غاصب صهیونیستی در منطقه برقرار است و چون اوضاع ناآمن و بیرحم‌های ارزش صهیونیستی

